

نقش دعاوی گروهی در حمایت از مصرف کننده

احمد یوسف زاده^۱

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه شهید

مدنی آذربایجان

علیرضا باریکلو^۲

استاد گروه حقوق خصوصی پردیس فارابی

دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۵/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۳/۱۷

چکیده

تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که صرف شناسایی حقوق مصرف کنندگان در قوانین ماهوی و تعیین ضمانت اجرا، تنها بخشی از مشکلات موجود در این عرصه را حل نموده و مرحله نهایی تأمین کننده اهداف، راهکارهای شکلی است. در واقع توجه به راهکارهای شکلی، همچون امکان اقامه دعاوی گروهی، در کنار راهکارهای ماهوی، مانند امکان ابطال شروط غیرمنصفانه و جبران خسارت‌های معمول، می‌تواند نقش بسیار مؤثری در حل مشکلاتی مانند عدم انگیزه مصرف کننده در اقامه دعاوی به دلیل هزینه بالای دادرسی، اطلاع دادرسی و پیچیده بودن اثبات مسئولیت در این دعاوی را ایفا نماید. بر این اساس در مقاله حاضر، کوشیده‌ایم چالش‌های شکلی موجود در حقوق ایران را در حوزه حقوق مصرف، بررسی کرده و در نهایت راهکار پیشنهادی خود در این زمینه را که استفاده از دعاوی گروهی است، ارائه نماییم. دعاوی گروهی به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی همچون رسیدگی یکباره به تمامی دعاوی، امکان اقامه دعاوی از سوی برخی زیاندیدگان به نمایندگی از تمامی آنها و ... منجر به کاهش تراکم کار دادگاه‌ها، تسریع در تعیین تکلیف دعاوی، کاهش هزینه‌های اقامه دعاوی و دادرسی، صرفه‌جویی در هزینه و وقت دادگاه و ... می‌شود. همین کارکرد مثبت و کارآیی اقامه دعاوی گروهی در حوزه حقوق مصرف، مهم‌ترین دلیل رشد و توسعه استفاده از آن در حقوق خارجی است. درعین حال اقامه این دعاوی در حقوق ایران از یک سو با

1- ahmadusefzadeh@yahoo.com

2 - bariklou@ut.ac.ir

DOI: 10.22067/le.v24i11.47357

اصل نسبی بودن آراء دادگاه‌ها و از سوی دیگر، با لزوم اقامه دعوا از سوی شخص دارای سمت در تعارض است که حل این مسئله با وجود برخی مقررات در قانون تجارت الکترونیک، نیاز به قانون‌گذاری خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: حمایت مؤثر، دعوای گروهی، اقتصاد قضایی.

طبقه‌بندی JEL: E21، k13، k41

مقدمه

مصرف‌کنندگان در یک تعریف مضیق، به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی اطلاق شده که برای کاربرد غیر حرفه‌ای یا تجاری، کالا یا خدماتی را برای خود تهیه نموده یا مورد استفاده قرار می‌دهند (Egura, 2000: 311). همچنین مصرف‌کننده به‌عنوان شخصی تعریف شده که کالا یا خدماتی را برای خود، خانواده خود و یا استفاده خانگی‌اش به دست آورده و قصد فروش مجدد آن را ندارد، و یا شخصی که کالایی را برای استفاده شخصی و نه اهداف تجاری خریداری می‌نماید (Garner, 2009: 335). ماده ۱ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان ایران، مصرف‌کننده را هر شخص حقیقی یا حقوقی تعریف کرده که کالا یا خدمتی را خریداری یا مصرف نماید، اما این ماده از این جهت که مشخص نموده منظور از رفع نیاز خود، صرفاً رفع نیازهای غیر حرفه‌ای است یا خیر، قابل ایراد به نظر می‌رسد، چون اطلاق ماده، خریداران کالا و خدمات برای رفع نیازهای حرفه‌ای را نیز در بر می‌گیرد. این امر در حالی است که در بند B ماده ۲ دستورالعمل شماره EECL/13/93 اروپایی، مصرف‌کننده هر شخص حقیقی است که برای هدفی جز تجارت، کسب و کار یا به‌صورت غیر حرفه‌ای، طرف قرارداد واقع شود.^۱

به هر حال، هدف عمده حقوق مصرف‌ایجاد برابری در روابط تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان از یک سو و مصرف‌کنندگان، از سوی دیگر است (Adib, 2010: 144) تا بر این اساس، عدالت معاوضی در روابط آنها تأمین شده و تفاوت در قدرت معاملاتی، عامل سوءاستفاده از وضعیت طرف ضعیف نشود، و با التزام به تحقق همین هدف است که مداخله دولت در روابط بین

1-Ec.europa.eu/consumers/policy/developments/unfa-cont-term-ucto1-en. Pd

تولید کنندگان و مصرف کنندگان نیز، قابلیت توجیه می‌یابد، چرا که مسئله آزادسازی اقتصاد، گسترش تولید انبوه و شمار روزافزون شرکت‌های چندملیتی و قدرت نابرابر طرفین رابطه مصرف، برقراری تعادل یا عدالت معاوضی را از طریق توافق طرفین ناممکن کرده است. بر این اساس، حقوق مصرف با اندیشه برقراری تعادل در این رابطه شکل گرفته و تلاش نموده با ابزارهای قانونی موجود، از طریق تحمیل برخی شرایط به طرف قوی‌تر (تولید کننده و عرضه کننده) و شناسایی حقوقی برای طرف ضعیف‌تر (مصرف کننده)، به تنظیم این رابطه پردازد.

هر چند در حقوق موضوعه ایران حقوق مصرف کننده با چالش‌های بسیاری همچون شفاف نبودن مفهوم مصرف کننده، عدم دسترسی به اطلاعات، طولانی بودن رسیدگی قضایی و سنگینی هزینه دادرسی، و نیز وابستگی بسیاری از تولید کنندگان به نهادهای دولتی و شبه‌دولتی روبه‌رو است، اما آنچه در این جستار مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت، صرفاً کارکرد دعاوی گروهی در حل چالش‌های ناشی از سنگینی هزینه دادرسی، طول مدت رسیدگی، هزینه‌بر بودن استفاده از وکلا و کارشناسان برای مصرف کنندگان است که به نظر می‌رسد در صورت استفاده مناسب از دعاوی گروهی، بسیاری از این چالش‌ها مرتفع شده و در عین حال موجب افزایش کارایی شیوه‌های جبران خسارت مصرف کننده نیز می‌شود. لذا در اینجا ابتدا، دعاوی گروهی توصیف و سپس چالش‌های حقوقی دادرسی در حوزه حقوق مصرف تبیین می‌شود و در نهایت، کارکردهای دعاوی گروهی در رفع این چالش‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در عین حال با توجه به اینکه برخی مخالفت‌ها با لزوم اعمال دعاوی گروهی عمدتاً مبتنی بر ایرادات شکلی (در خصوص تفاوت آیین رسیدگی به این دعاوی با شیوه‌های معمول) و کفایت شیوه‌های معمول رسیدگی و عدم لزوم بکارگیری دعاوی گروهی می‌باشد، این نظریات مبتنی با آیین دادرسی و سیستم حقوق کشورهای خارجی بوده و لذا، از بیان نظریات مزبور خودداری شده و تنها به بیان موانع اقامه دعاوی گروهی در حقوق ایران و راهکارهای بکارگیری این شیوه رسیدگی در حقوق ایران اکتفا می‌شود.^۱

۱- مسئله علل مخالفت با دعاوی گروهی مسئله‌ای است که نیاز بررسی مبسوط داشته و اصولاً از موضوع مقاله حاضر خارج است. این مسئله در مقالات بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

توصیف دعوای گروهی

از جمله راهکارهای دادرسی حمایت از حقوق مصرف کنندگان، شناسایی دعوای گروهی^۱ است. در این شیوه دادرسی ادعای تعدادی از خواهان‌ها علیه خواننده یا خوانندگان مشابه در خصوص ادعایی مشابه نسبت به تمام خواهان‌های احتمالی فعلی، در یک دعوا رسیدگی می‌شود. به بیان دیگر، در این شیوه، یک یا گروهی کوچک از خواهان‌ها، به نمایندگی از سایرین اقدام به اقامه دعوا می‌کنند (Garner, 2009: 267) و پس از اعلام عمومی، تمامی افرادی که در رسیدگی ثبت نام کرده‌اند، بدون مداخله در جریان رسیدگی، از مزایای حکم صادره بهره‌مند می‌گردند. بنابراین، در حکم، به هویت تمامی افراد خواهان، تصریح نمی‌شود اما دادگاه، ویژگی‌های افراد قادر به بهره‌مندی از حکم را توصیف می‌کند.

این دادخواهی همان گونه که پیشتر عنوان شد به طور کلی زمانی استفاده می‌شود که تعداد زیادی از مردم از آسیب یکسان یا مشابه رنج می‌برند. در اغلب موارد آسیب افراد آنقدر کوچک است که ممکن است اقدام قانونی برای آن به تنهایی برایشان مقدور نباشد، با این حال، اگر این ادعاهای کوچک را در کنار هم قرار دهیم، ارزش ادعاهای آن‌ها کاملاً نمود پیدا کرده و امکان پیگیری آن به عنوان یک دعوای گروهی، میسر خواهد بود. هنگامی اقامه یک دعوای گروهی مجاز است که شاکیان نماینده‌ای از میان خود داشته باشند که از طرف گروه (کلاس) اقامه دعوا نماید. طبقه ممکن است از یک گروه از کارکنان و یا کارگران که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، گروه بیمارانی که دارو با عوارض جانبی مضر مصرف نموده‌اند، ساکنان یک محله که خانه و یا در اثر نشت مواد سمی مجروح شدند، تشکیل گردد.

آیین دادرسی حاکم بر دعوای گروهی از چهار مرحله اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: شروع و طرح دعوا، تأیید دادگاه، دادرسی و ورود به ماهیت موضوعات مشترک و شخصی متنازع فیه و نهایتاً توزیع وجوه مورد حکم میان برندگان دعوا (Hereux, 1992: 448) که در ادامه هر کدام از مراحل را به اختصار توضیح می‌دهیم:

۱- طرح دعوا: در این مرحله، یک یا چند شخص معین از گروهی معین یا نامعین که از عملی

1 - class action

- مشابه زیان دیده اند و خواسته مشابهی دارند، دعوا را به نیابت از کل افراد گروه اقامه می کنند. به این شخص یا اشخاص، خواهان های اصلی یا نماینده اطلاق می شود.
- ۲- تأیید دادگاه و انتشار اخطاریه شروع دعوا: پس از طرح دعوا، دادگاه باید تأیید کند که آیا دعوا حائز شرایط اقامه در قالب دعاوی جمعی می باشد یا خیر. در برخی از کشورها همچون ایالات متحده، خواهان های اصلی باید از دادگاه کتباً تأییدیه را معمولاً ظرف ۳۰ تا ۹۰ روز از طرح دعوا تقاضا کنند تا دادرسی آغاز شود.
- ۳- ورود به ماهیت و دادرسی پیرامون موضوعات مشترک: پس از آن که اجازه طرح دعاوی جمعی داده شد، دادگاه جهات حکمی و موضوعی را که باید در خصوص آنها تعیین تکلیف شود معلوم خواهد نمود. علاوه بر این، دادگاه در این تصمیم، گروهی را که اعضایش ملزم به حکم نهایی دادگاه می باشد و رأی در منافع و حقوق آنان تأثیرگذار است تعیین و به طور دقیق معلوم می نماید همانند خریداران یک اتومبیل خاص از خودروسازی معین در یک دوره زمانی تعریف شده و دستور صدور یا انتشار ابلاغیه به تمام اعضای گروه را صادر می کند مثلاً اطلاع رسانی به ذینفعان از طریق روزنامه ها، شبکه های رادیویی یا تلویزیونی و تأسیس پایگاه اینترنتی.
- ۴- صلح و سازش یا صدور حکم و توزیع محکوم به میان خواهان ها: در بسیاری از موارد ممکن است پس از شروع دعوا و پیش از خاتمه آن، میان طرفین دعوا صلح و سازش واقع شود. این امر به ویژه در آمریکا کاملاً رایج است. (Stuyck et al, 2007: 303)
- چگونگی حمایت از مصرف کننده در دعاوی گروهی چنین است که به عنوان مثال، اگر هزینه جمع آوری کالاهای معیوب توسط شرکت، از میزان خسارت احتمالی ای که باید به زیان دیدگان پرداخت شود، فراتر رود، تولیدکننده کالای معیوب را جمع آوری نکرده و در صورت اقامه دعاوی خرد از سوی زیان دیدگان، آن را از طریق سازش و تراضی، حل و فصل می کنند. باید توجه داشت که در بسیاری از موارد، زیان ناشی از کالای معیوب برای یک شخص به قدری ناچیز است که انگیزه ای برای اقامه دعوا، که مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و استخدام وکیل است، در زیان دیده ایجاد نمی کند، این در حالی است که مجموع خساراتی که در نتیجه این کالای معیوب به تک تک افراد جامعه وارد شده، بسیار زیاد خواهد بود. علاوه بر این، از دید تحلیل اقتصادی حقوق، اغلب تولیدکنندگان با سوءاستفاده از عدم اقامه این دعاوی، در خصوص عیوب احتمالی

محصولات خود، اطلاع‌رسانی ننموده و از این طریق ایمنی مصرف‌کنندگان را به خطر می‌اندازند؛ بنابراین، اگر دعوای حوزه مصرف به دلیل سنگینی مبلغ هزینه دادرسی و مسائلی از این دست اقامه نشوند، تولیدکنندگان انگیزه بیشتری برای سرپوش گذاشتن بر ایرادات تولیداتشان می‌یابند. شناسایی اقامه دعوای گروهی، یکی از راه‌حل‌هایی است که در سیستم‌های حقوقی سایر کشورها برای مقابله با این مسئله، پیش‌بینی شده است.

بر این اساس، شایسته است در حقوق ایران نیز نگرش مثبتی از جانب متصدیان امور قانون‌گذاری و قضایی نسبت به کارکردهای دعوای گروهی محقق شود تا از این طریق دعوای گروهی به یک رویه شناخته شده در پرتو تجربه و عمل تبدیل گردد. بدون شک با توجه به کارکردهای مثبت دعوای گروهی، چنین تغییر نگرشی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. همچنان که این امر در آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا^۱، انگلیس^۲ و... اعمال شده است (Greer, 2010: 57-59). البته با توجه به بدیع بودن سیستم دعوای گروهی در حقوق ایران، نباید بدون پیش‌بینی تدابیر لازم، در اعمال آن عجله شود.

چالش‌های حقوقی اقامه دعوای علیه تولیدکنندگان

از منظر اصول دادرسی عادلانه، مهم‌ترین چالش‌های موجود برای اقامه دعوای علیه تولیدکنندگان در حقوق ایران، عبارت‌اند از: عدم اقامه دعوای علیه تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کالاهای معیوب به دلیل ناچیز بودن خسارات وارده؛ طول مدت رسیدگی و هزینه آن در دعوای اقامه شده از سوی مصرف‌کنندگان و فقدان نهادهای حمایتگر خاصی با امکان اقامه دعوای از سوی مصرف‌کنندگان در مرحله دادرسی، که ذیلاً، هر یک از این چالش‌ها، به صورت جداگانه، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد:

۱،۲. عدم تناسب منافع خواهان با هزینه‌های دادرسی

یکی از عوامل اقامه دعوای حقوقی در روابط مالی، سنگینی کفه منافع حاصل از دعوای، نسبت

1- Federal Rules of Civil Procedure 23 (US) FRCP23.

2- Civil Procedure, PART 19

به کفۀ هزینه‌های اکتسابی از آن است؛ اما در دعاوی مصرف کننده علیه تولید کننده، این معادله معکوس شده و در نتیجه سنگینی هزینه دادرسی و طولانی بودن زمان دادرسی یا کند بودن پیشرفت رسیدگی قضایی، حقوق مصرف کننده را با چالش مواجه کرده است؛ در واقع با توجه به اینکه به طور معمول، افراد در صورتی اقدام به اقامه دعوا می‌نمایند که میزان منافع به دست آمده از آن، بیشتر از هزینه دادرسی باشد، لذا مصرف کننده عادی حاضر نیست برای جبران ضرری ناچیز و اندک، هزینه دادرسی و مدت زمان طولانی آن را متحمل شود. البته ذکر این نکته لازم است که منظور از هزینه دادرسی در اینجا، معنای خاص آن یعنی هزینه دادخواست نیست، بلکه علاوه بر آن، هزینه‌هایی همچون حق الوکاله، هزینه کارشناسی و... را نیز در بر می‌گیرد.

افزون بر این، مسئله سنگینی هزینه‌ها و بالا بودن آن در حقوق مصرف دارای اهمیت بیشتری نیز می‌باشد؛ زیرا اولاً، دعاوی مصرف کنندگان علیه تولید کنندگان و عرضه کنندگان دارای پیچیدگی‌های فنی زیادی است و به دلیل اینکه غالباً تولید کنندگان، فرایند مربوط به روند تولید خود را مخفی نگاه می‌دارند، اثبات عیب در محصولات آنها تا حدی مشکل است. پیچیدگی روابط تولید کنندگان و عرضه کنندگان از یک سو و مسئله رازداری و حمایت از اسرار تجاری از سوی دیگر، هزینه امکان اثبات عیب تولید را به مراتب افزایش می‌دهد.

ثانیاً، نابرابری قدرت مالی تولید کنندگان و مصرف کنندگان، منجر به استفاده تولید کنندگان از تیم حقوقی، وکلای باتجربه و پرداخت کلیه هزینه‌ها و در نهایت، ادامه دعوا در مراحل بالاتر رسیدگی می‌شود. لذا اگر مصرف کننده‌ای در مرحله بدوی به دلیل عدم توجه به مسائل شکلی، موفق به اثبات عیب محصول نشود، ممکن است به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های دادرسی، قادر به اثبات آن در مرحله بعدی هم نباشد، درحالی که تولید کننده قادر به پرداخت کلیه هزینه‌ها تا مرحله نهایی دادرسی است.

ثالثاً، تحمل مشکلات ناشی از روند طولانی مدت رسیدگی و ادامه دعوا نیز چالش دیگری است که تولید کنندگان و عرضه کنندگان از سویی و مصرف کنندگان از سویی دیگر به نحو متفاوتی با آن مواجه می‌شوند؛ چراکه امروزه با گسترش تولید انبوه و افزایش شرکت‌های فراملی، شرکت‌های زنجیره‌ای و شبکه‌های توزیع، این شبکه‌ها برای رفع مسئولیت‌های خود، اقدام به بهره‌گیری از وکلای حرفه‌ای و حقوق دانان مجرب نموده‌اند؛ لذا طول مدت رسیدگی هیچ‌گونه مشکلی در روند تولید و یا توزیع ایجاد نمی‌کند اما در مقابل، مصرف کننده‌ای که به تنهایی در

مقابل چنین سیستمی قرار گرفته با مشکلات متعددی مواجه شده و در بسیاری از موارد، ناچار می‌شود از طرح یا ادامه دعوا صرف نظر نماید تا بتواند به زندگی روزمره خود ادامه دهد. بنابراین، عدم توازن و تناسب بین منافع حاصل از دادرسی (بر فرض موفق شدن در دعوا) و سنگینی هزینه دادرسی و روند طولانی رسیدگی از یک سو و از سوی دیگر، قدرت مالی تولیدکننده در ادامه دعوا، و ضعف مصرف کننده در صورت تداوم آن، از چالش‌های دادرسی حقوق مصرف در جامعه ایران است که با پذیرش دعوای گروهی می‌توان در رفع آن کوشید.

۲.۲. عدم امکان اقامه دعوا توسط نهاد حمایتگر

یکی دیگر از راهکارهای رفع یا کاهش چالش‌های دادرسی حقوق مصرف، اقامه دعوا توسط انجمن‌های حمایت کننده از حقوق مصرف است که در حقوق ایران به کارکردهای آن توجهی نشده است. البته، هرچند بر اساس ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف کننده، در گامی به جلو و برای حل بسیاری از چالش‌های حقوقی دادرسی در عرصه حمایت از مصرف کننده، حق اقامه دعوا از طرف انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف کننده پیش‌بینی و مقرر شده: «به منظور تسهیل و تسریع در رسیدگی به تخلفات و در راستای استیفای حقوق مصرف کنندگان، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف کنندگان می‌توانند شکایات واصله از افراد حقیقی و حقوقی را در حدود موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) ماده (۱۲) این قانون بررسی نموده و در صورت عدم توافق طرفین (شاکای و مشتکی عنه) جهت رسیدگی قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع نمایند. سازمان مذکور موظف است شکایات مربوط به صنوف مشمول قانون نظام صنفی را در مواردی که واجد عناوین مجرمانه نباشد، بر اساس قوانین و مقررات مربوطه رسیدگی و حکم لازم را صادر و اجراء نماید»؛^۴ اما در ماده ۵۹ قانون نظام صنفی این اختیار حذف، و مقرر گردید: «عبارت زیر به

۱- ارائه نظریات مشورتی و همکاری با دستگاه‌های ذی‌ربط اجرایی به جهت اجرای مؤثر مقررات امور مربوط به حقوق مصرف کنندگان.

۲- بررسی شکایات و ارائه خدمات مشاوره‌ای و حقوقی به مصرف کنندگان.

۳- ارجاع دعوای به مراجع ذی‌ربط در صورت درخواست خواهان.

۴- ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵.

موارد لغوشده موضوع ماده (۹۶) قانون اضافه می شود: «مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۷) و (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵»^۱.

بنابراین، قانون گذار در اقدامی عجیب، ماده ۱۴ را که تلاشی در جهت کاهش تصدی دولت و استفاده از توان انجمن های غیردولتی در حمایت از حقوق مصرف کنندگان بود، حذف نموده است، درحالی که در سایر کشورها عملکرد این انجمن ها آثار مثبت فراوانی داشته است (Mostafa Montazkami, Forough, 2011: 61-62). در واقع موضوع رسیدگی به شکایات صنفی، از مواردی است که مطابق نظر مسئولان و کارشناسان سازمان های صنعت، معدن و تجارت، بخش زیادی از نارضایتی ها و شکایات دریافتی مردمی را در بر می گیرد و اتفاقاً بیشترین نارضایتی ها و شکایات هم در این حوزه بوده است (Ramwi, 2013: 12). لذا مطابق قانون، این انجمن ها می توانستند همچون نهادی قانونی و مردمی در این حوزه به نحو مناسبی فعالیت کرده و بخش زیادی از مراجعات مردم را به سازمان های صنعت، معدن و تجارت و بازرسی اصناف کاهش دهند و همین امر، سبب می شد که این ساختار، ضمن اینکه بتواند در مقام یک تشکل مردمی نقش مهمی در ارتقای توان کارشناسی و اجرایی خود داشته باشد، با جدیت، در راستای احقاق حقوق مردم نیز ایفای وظیفه کند؛ اما لغو مواد مذکور، گامی در جهت عکس بوده است؛ زیرا تجربه بعضی از کشورهای غربی نشان داده که انجمن های صنفی حمایت از حقوق مصرف، نقش مهمی در کارایی حقوق مصرف از جمله در کاهش چالش های دادرسی دارند.

کارکرد دعاوی گروهی در حقوق مصرف

استفاده از دعاوی گروهی در حوزه حقوق مصرف، فواید فراوانی دارد که توجیه کننده استفاده گسترده از آن در حقوق مصرف است. به عنوان مثال، استفاده از دعاوی گروهی، قابلیت پیش بینی پذیرش و یا عدم پذیرش دعوا و امکان نیل به نتیجه را افزایش می دهد، و امکان جبران خسارت برای اشخاصی که امکان اقامه دعوی انفرادی را ندارند فراهم می کند، و موجب صرفه جویی در

۱- قانون فوق، مشتمل بر ۵۹ ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۲ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

وقت دادگاه‌ها شده و میزان بازدارندگی قواعد حقوق مصرف را افزایش می‌دهد. در ادامه بحث، به مهم‌ترین کارکردهای آن در حوزه حقوق مصرف اشاره می‌شود.

۳.۱. اصل قابلیت پیش‌بینی

هزینه اقامه دعوی گروهی نیز مانند هزینه دعوی فردی، بسیار زیاد است، لذا استفاده از آن در شرایط مناسب بسیار مهم است. در دعاوی گروهی، بخش عمده‌ای از غربالگری خواهان‌ها، پیش از اولین جلسه دادگاه و توسط وکیل صورت می‌گیرد. چنین ارزیابی‌ای که توسط حرفه‌ای‌های حقوق (وکلا) در خصوص ادعاها و تخصیص نهایی آنها به منابع حاصل از رأی دادگاه‌ها انجام می‌شود، در زمینه بهره‌وری قضایی، حائز اهمیت است (Australian Rep No 89, 1999: 90). انجام چنین اقداماتی در شکایت‌های قانونی پیچیده، به منظور پیشگیری از عدم تأیید گروه (AltaLRI Memorandum, 1995: 31)، توسط دکتترین حمایت می‌شود (Balen, Et. al, 1994: 201; Mildred, 2001: 411. Pinos, 1984; Morabito, 1997: 375-76). عدالت با استفاده از منابع قضایی محدود یکی از دلایل لزوم روی آوردن به دعوی گروهی است که در تحقیقات دانشگاه‌ها بدان پرداخته می‌شود (Basten, 1996; 23; Kaplan, 1967: 389-90; Davis, 1998: 159) به عنوان مثال، ممکن است منفعتی که در صورت پیروزی در دعوا به اعضای دعوی گروهی می‌رسد، نسبت به هزینه آن بسیار کم باشد و در صورتی که زیان دیده از این مسئله آگاه باشد امکان دارد از اقامه دعوا صرف نظر نماید (Australian, Rep No 89, 1999; 342). در حقوق آمریکا، امکان ارزیابی کلی خسارت در پیش از رسیدگی به دعوی گروهی به صراحت در برخی از قوانین پیش‌بینی شده و میزان آن به یک سطح منطقی یا عقلایی تنزل داده شده است (Ibid; 412-16). این امر به منظور تسهیل قابلیت پیش‌بینی نتیجه دعوا صورت گرفت. (Manitoba Report No 100, 1999: 24)، اما در برخی موارد، نتیجه آن دستیابی به چیزی کمتر از خسارت وارده خواهد بود. به عنوان مثال، در پرونده «ناتیز علیه تلکترونیکس» (Nantais v Teletronics Proprietary Ltd, 1995) که در آن، یک دعوی گروهی مطرح شد (Claridge,)

24: 1997)، «کمیسیون اصلاحات قانون مانیتوبا» اعلام کرد: مبلغ خسارت بین ۱۰ هزار تا ۱۵ هزار دلار برای هر عضو در نظر گرفته می‌شود تا از این طریق بتوان عادلانه‌تر و سریع‌تر به نتیجه رسید (ManLRC Report, 2000: 24). این در حالی بود که خسارت وارده به خیلی از اعضای دعاوی گروهی، بسیار بیشتر از این میزان بود. این عمل در قانون آئین دادرسی فدرال ۲۳ نیز به مثابه دستیابی به بخشی از عدالت در نظر گرفته شده است (Weinstein, 2001: 174). بنابراین، همان طور که دیده می‌شود مسئله قابلیت پیش‌بینی نتیجه دعوا، امری بسیار مهم است که می‌تواند منجر به اقامه و یا عدم اقامه دعوا شود و به همین دلیل است که وجود امکان پیش‌بینی خسارات احتمالی در دعاوی گروهی، تأمین‌کننده اصل قابلیت پیش‌بینی نتیجه دعوا بوده و به زبان دیدگان، این امکان را می‌دهد تا از اقامه دعوایی که منجر به جبران خسارت مناسبی نمی‌شود، خودداری نمایند.

۲.۳. تأمین عدالت

امکان دستیابی به عدالت از طریق اقامه دعوی گروهی، سنگ بنای طرفداری از امکان اقامه این نوع از دعاوی در حوزه حقوق مصرف است. چون همان‌گونه که بعضی معتقدند (Camp and Matthews, 1998: 23)، ممکن است در صورت عدم وجود چنین راه‌حلی، تعداد زیادی از قربانیان از دستیابی به هدفشان محروم شوند (Davis, 1998: 169) که این امر منجر به نوعی بی‌عدالتی می‌شود. لذا فراهم آوردن امکان دسترسی به عدالت قضایی، همواره یکی از اهداف مهم شناسایی سیستم دعاوی گروهی تلقی شده است. به طور مثال، دادگاه فدرال استرالیا در لایحه متمم سال ۱۹۹۱ یکی از اهداف روی آوردن به این سیستم را فراهم کردن امکان دستیابی به عدالت قضایی توسط افرادی دانست که خواسته‌ای مشابه در دعاوی مشابه دارند (Marks v GIO Aust, 1997; Woodhouse v McPhee, 1996; Holdings Ltd, 1996). دیوان عالی ایالات متحده نیز بر این امر تأکید نموده است که یکی از دلایل عمده توسل به دعاوی گروهی، کاهش هزینه طرفین دعوا در دعاوی گروهی با خواسته مشابه است (US Parole Comm v Geraghty, 1980). در نتیجه شناسایی دعاوی گروهی، به طرق مختلف، موجب برقراری عدالت می‌شود. در وهله

اول، دعوای گروهی می‌تواند باعث حکومت قانون شود (Morabito and Epstein, 2000: 5) که این خود، موجب تأمین توأم نوعی عدالت قانونی و عدالت قضایی یا احساس عدالت در جامعه می‌شود. چون این واقعیت تلخ، همواره مطرح است که در برخی از دعوای، قانون به صورت صددرصدی حکومت ندارد (ManLRC Report, 2000: 23). از این رو، به دلیل احتمال تخلف از اجرای قانون و عدم وجود رویه‌ای مؤثر برای پیگیری مطالبات مشروع و قانونی، شناسایی نهاد دعوای گروهی می‌تواند راه‌حل مناسبی تلقی شود (Prichard, 1984: 322-23).

جنبه دوم، مربوط می‌شود به غلبه بر موانع مربوط به هزینه‌های تکراری (ALRC Report, 2000: 19). به عنوان مثال در حوزه‌های قضایی کشورهایمانند کانادا (Harrington v Dow) (Corning Corp, 2000)، استرالیا (King v GIO Aust Holdings Ltd, 2000) و ایالات متحده (Amchem Products Inc v Windsor, 1997) بارها بر اصل مهم ایجاد انگیزه کافی برای طرح دعوای کوچکی که پیامدهای مهمی خواهند داشت تأکید شده است.

سومین هدف، مربوط به احساس عدالت و اطمینان، از برابری خواهان‌ها با خواننده در سیستم قضایی است. چون گاهی خوانندگان در موضع قدرت قرار می‌گیرند، لذا سیستم دعوای گروهی، فرصتی فراهم می‌آورد که خواهان‌ها از طریق تعدد، بتوانند این موضع قدرت را تعدیل کنند (Newberg, 1992; 478; Lindblom and Watson, 1993; 74).

چهارمین هدف، صرفه‌جویی در زمان با شناسایی دعوای گروهی است (McKrow v Manufacturers Life Ins Co, 1998; Dabbs v Sun Life Ass Co of Canada, 1999). تعدد دعوای واحد ممکن است باعث صرف وقت بسیار و هزینه بیش از اندازه شود (Manitoba Committee, 1996; 7). اهمیت و ارزش موضوع وقت، باعث روی آوردن به چنین سیستم نوینی می‌گردد (Davis. Op.cit.; 232) که این امر نیز به نحوی به تأمین عدالت و دادگستری منجر می‌شود. باین حال دو نکته مهم در خصوص این اهداف و تأمین عدالت وجود دارد که باید به آن توجه شود:

نخست اینکه این اهداف ممکن است تماماً در یک دعوای گروهی محقق نشوند. بنابراین همواره این سؤال مطرح می‌شود که آیا سیستم دعوای گروهی به منظور کاهش شکایات قانونی با تحکیم دعوای متعدد یا به منظور تسهیل دادخواهی به وجود آمده است؟ (Lindblom and Watson, 1993: 50; Kleefeld, 2001: 15) ولی در این مورد باید توجه داشت که تحقق یکی از

اهداف مطرح شده از حیث دادرسی مفید است و عدم تحقق تمام آن، مانع شناسایی دعاوی گروهی نیست چون اگر تمام اهداف محقق نشود، رها کردن اهداف قابل تحقق به هیچ وجه عقلایی نیست. لذا از باب تأسی به قاعده مشهور «ما لا یدرک کُلُّه لا یتَرَک کُلُّه»، نباید به علت عدم حصول تمام چیزی، تمام آن ترک شود.

دوم اینکه دستیابی به عدالت به مانند «یک خیابان دوطرفه» است؛ باید اطمینان حاصل شود که در صورت اعمال نهاد دعاوی گروهی، خوانده نیز به مانند خواهانها مورد حمایت قانونی قرار گیرد (Kenora Police Services Board v Savino, 1997). البته در عمل تأکید بیشتری بر حمایت از خواهانها در سیستم دعاوی گروهی شده است و در خصوص حمایت از خواننده، دادگاههای مختلف رویه‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند (Kirby, 1979; 161). در این مورد نیز می‌توان گفت: این موضوع در حقوق مصرف، جایی ندارد، زیرا عرضه کننده و تولیدکننده پیوسته طرف قوی و قدرتمند رابطه است و البته پیداست که حمایت از طرف ضعیف باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد، لذا رویکرد حمایتی در حوزه حقوق قراردادهای همیشه متوجه طرف ضعیف رابطه است.

۳.۳. صرفه‌جویی در وقت

معمولاً اقدام به طرح دعوا از سوی خواهان واحد، نسبت به طرح همان دعوا به صورت گروهی مستلزم تحمل هزینه‌های بیشتری است. همین امر ضرورت وجود یک سیستم قضایی به صرفه را الزام می‌کند تا در صورت عدم رغبت به اقامه دعوی فردی، امکان طرح شکایت تعدادی از زیان‌دیدگان به نمایندگی از سایرین فراهم گردد (ALRC Report, 2000; 13). بهره‌وری اقتصادی، یکی از دلایل به وجود آمدن سیستم دعاوی گروهی شناخته می‌شود. این بهره‌وری با وجود صراحت در قانون آئین دادرسی فدرال ۲۳، در اساسنامه اقدام به دعاوی گروهی استرالیا (Johnson Tiles Pty Ltd v Esso Aust Ltd, 1999) و کانادا (Wicke v Canadian Occidental Petroleum Ltd, 1999; Ho-A- Shoo v Canada), به صورت ضمنی مورد توجه قرار گرفته است.

با این حال، همین اهمیت به اقتصاد قضایی و کاهش هزینه‌های قضایی برای خواهانها، باعث طرح دعاوی تکراری در قضیه خاص «انتاریو» (Sutherland v Canadian Red Cross Soc,)

ManLRC Report, 2000: 27; Dickson, 1998;) شده که مورد انتقاد مفسران کانادایی (1994 Pittman) قرار گرفته است (59; Lennox, 2001: 397; Watson, 2001; 270; Page, 2000: 11). انتقادهای (Estate v Bain, 1994; Walker Estate v York Finch General Hospital, 1997) مشابهی نیز در زمینه قضیه شکایت‌های قانونی «آزبست» در ایالات متحده به وجود آمده است: اینکه چرا یک متهم یا گروهی از متهمان باید برای یک مجموعه مشخص از حقایق، در دعاوی متعدد، سعی در متقاعد کردن هزاران نفر از اعضای هیئت منصفه نمایند؟ (Davis, op.cit; 157) بررسی این پرونده‌های اندک حاکی از آن است که تعدد شکایات در یک موضوع خاص، عمدتاً در پرونده‌های غیرمعمول بیش از پرونده‌های مدنی معمول است. باوجوداین، نمی‌توان از مزایای این سیستم چشم‌پوشی کرد. اکثریت قریب به اتفاق دعاوی گروهی حقوقی، پیش از شروع جلسات دادرسی حل و فصل می‌شوند (27: 2000; ManLRC Report, 10; Willging et al, 1996). بنابراین می‌توان گفت سیستم دعاوی گروهی، نتیجه‌ای زودرس را به ارمغان می‌آورد.

۴.۳. برقراری موازنه قضایی و حفظ استقلال شخصی

با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی سیستم دعاوی گروهی حمایت از اعضای گروه است، نیاز به مدیریت فعال پرونده به منظور حمایت از شاکیان غایب، در دکتین حقوقی (OLRC Report; 446; ManLRC Report; 4; AltaLRI Report; 1995: 282) و رویه قضایی (US Parole Comm v Geraghty, 1980; Smith v Canadian Tire Acceptance Ltd, 1995) مورد توجه قرار گرفته است. به روش میدانی، اهمیت مطلق این سیستم قضایی توسط مؤسسه رند^۱ مورد بررسی قرار گرفته است (Rand Report, 2000: 485-86). عملاً زمانی که یک جلسه دادگاه به صورت دعاوی گروهی برگزار می‌شود، دادگاه مسئولیت ویژه‌ای برای رسیدگی به خواسته اعضای حاضر و غایب دعاوی گروهی خواهد داشت (AltaLRI Report, 1995: 179). هریک از دادگاه‌های رسیدگی کننده به دعاوی گروهی، موظف‌اند استقلال شخصی را مدنظر قرار

1- RAND Institute for Civil Justice

دهند. به عنوان مثال، بر اساس قانون آئین دادرسی فدرال ۲۳ (ب) (۳)^۱، دادگاه موظف است منافع تک تک اعضای دعاوی گروهی را به صورت جداگانه در زمان رسیدگی و تصمیم گیری مدنظر قرار دهد. «بریتیش کلمبیا» نیز دقیقاً چنین رویکرد مشابهی را در پیش گرفته است (Tiemstra v Insurance Corp of BC, 1996). در این زمینه می توان به طور خاص به رویکرد قانون آئین دادرسی فدرال ۲۳ در زمینه شبه جرم عمومی که شاکی ادعای صدمه شخصی می نماید، اشاره کرد (Hobbs v Northeast Airlines Inc, 1970; Causey v Pan American World Airways Inc, 1975). عدم توجه این چنینی به خواسته شاکی، بیم انتقام جویی شخصی را در پی خواهد داشت. چنین رویکردی در انتاریو (Abdool v Sutherland v Canadian Red Cross Soc, 1994; Gold Coast City Council v Pioneer v Anaheim Management Ltd, 1995) و استرالیا (Concrete (Qld) Pty Ltd, 1997) نیز پیش بینی شده است. سایر اقدامات نیز بیانگر توجه و تمرکز بر اجرای مبتنی بر استقلال شخصی اعضا است. بدین صورت که اعضای دعاوی گروهی می توانند به صورت داوطلبانه در جریان دادرسی شرکت نمایند و همچنین دادگاه مجاز به ایجاد فرایندی ساده برای دریافت خواسته هریک از اعضا به صورت جداگانه در خصوص طرح شکایت است. با وجود این، مسئله مطرح چگونگی دفاع از حقوق اعضای غایب است؛ در واقع نمی توان گفت به طور کامل به خواسته اعضای غایب رسیدگی می شود، زیرا اطلاعات کافی برای صدور تصمیم وجود ندارد. اعضای غایب معمولاً هیچ نقشی در حل و فصل دعوا نخواهند داشت. از سوی دیگر، انتخاب نماینده ای برای شاکیان یا متهمان غایب ممکن است باعث از دست دادن کنترل در پرونده شود، اما از سوی دیگر، می تواند تا حد زیادی نتیجه شکایت های قانونی را نیز تحت تأثیر قرار دهد (Cooper, 2001; 215). لذا در این خصوص، رویه ای که ایالات متحده در پیش گرفته بسیار قابل توجه است؛ در زمینه دعاوی گروهی، دادگاه عالی ایالات متحده هر گونه امکان انتخاب نماینده

1-(3) the court finds that the questions of law or fact common to class members predominate over any questions affecting only individual members, and that a class action is superior to other available methods for fairly and efficiently adjudicating the controversy. The matters pertinent to these findings include:

(A) the class members' interests in individually controlling the prosecution or defense of separate actions;

به جای اعضای غایب را رد کرده، و تأکید نموده است که حداقل فرایند مورد نیاز برای تسری تصمیم گیری‌ها به اعضای غایب، لزوم اطلاع‌رسانی این اشخاص به دادگاه در خصوص دخول یا خروجشان از دعوای گروهی است (Phillips Petroleum Co v Shutts, 1985; 812). استرالیا نیز رویه‌ای مشابه را پیش گرفته است. دیگر مسائل مربوط به قانون اساسی مانند حق اطلاع شخصی (Femcare Ltd v Bright, 2000; 29) و ارزیابی خسارت کلی (Schutt Flying Academy Pty Ltd v Mobil Oil Aust Ltd, 2000) نیز به همین ترتیب قابل تسری است.

۵.۳. اصلاح فرایند تولید محصول

باید توجه داشت که در هر دادرسی، علاوه بر جلوگیری از رسیدگی ناعادلانه و اعمال ستم به متهم، باید از جبران خسارت به بهترین نحو آن نیز اطمینان حاصل شود. ذکر این نکته لازم است که حوزه‌های قضایی در خصوص اینکه آیا هدف از قواعد مسئولیت مدنی، بازدارندگی و اصلاح رفتار است یا خیر هنوز به اتفاق نظر نرسیده‌اند. کمیته مشورتی اناریو در این زمینه چنین بیان نموده: واضح است که افراد، باید نهایتاً به این نتیجه برسند که خود را با قوانین منطبق سازند (ManLRC Report, 2000: 28). بر اساس این دیدگاه، برخی از دادگاه‌ها نظر به اصل اصلاح و بازدارندگی از رفتار غیرقانونی در خصوص متهمان واقعی یا بالقوه داده‌اند (Abdool v Anaheim Management Ltd, 1994: Hollick v Metropolitan Toronto, 1998). به نظر می‌رسد، این هدف یعنی اصل اصلاح و بازدارندگی اساس اعمال دعوای گروهی در کانادا است، زیرا به دنبال تغییر رفتار افرادی هستند که امکان دارد خلاف قانون عمل نمایند (ManLRC Report, 2000: 28-35; AltaLRI Report, 1995, 115; OLRC Report, op.cit 140-46).

به این ترتیب، اجرای قوانین بازدارندگی به عنوان نتیجه استفاده از سیستم دعوای گروهی توسط دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا شناخته شده است (US Parole Comm v Geraghty, 1980). این هدف بازدارندگی از کاربرد دعوای گروهی که قادر است ادعاهای کوچک فردی را به پرونده‌های بزرگ و پرهزینه حقوقی تبدیل کند (Page, 2000, p1)، اعمال غیرتهدیدآمیز را به شبه جرم بدل نماید، توازن شخصیت‌های حقوقی را بر هم زند (Harlow and Rawlings, 1992; Lennox, 2001: 380; Newberg, 1992). و الهام‌بخش تغییر برای پر کردن خلأهای قانونی باشد (Donnan, 2000: 84-69-467, 1992)، به طور گسترده‌ای از حیث نظری و علمی در حوزه‌های

قضایی آمریکای شمالی تبلیغ می‌شود. طبق تحقیقات مؤسسه «رند» یکی از اثرات دعاوی گروهی، تحت قانون آئین دادرسی فدرال ۲۳، تجدیدنظر شرکت‌های بزرگ در سرمایه و کارشان بوده و همچنین بر تصمیمات طراحی محصول اثرات مثبتی داشته است (Rand Report, 2000: ch 15, section 4). مؤسسه «آلبرتا» نیز اظهار داشته با وجود اینکه استانداردهای محصولات جزو اهداف اصلی استفاده از روش دعاوی گروهی نیست، اما باید اذعان داشت که این روش اثراتی جدی بر جای گذاشته است (AltaLRI Report, 1995:115). به طور کلی عقیده بر این است که به کارگیری سیستم دعاوی گروهی دست کم می‌تواند به صورت بالقوه باعث اصلاح رفتار شود (Scott v TD Waterhouse Investor Services In, 2001). با وجود آنکه برخی از منتقدان معتقدند نمی‌توان به طور حتم گفت که استفاده از سیستم دعاوی گروهی حتی به صورت بالقوه، توانایی اصلاح رفتار را دارد، یکی از مفسران (Kleefeld, 2001: 36) معتقد است در تجربه و عمل ثابت شده که مخصوصاً در باب شرکت‌های تولیدکننده محصول، بیم از طرح دعاوی گروهی باعث عمل به استانداردها می‌شود. با وجود این، باید اذعان داشت که هدف اصلاح رفتار، یک هدف اختلافی است که برخی از حوزه‌های قضایی آن را قبول ندارند و تصریح می‌کنند که سیستم دعاوی گروهی اثر بازدارندگی ندارد. به عنوان مثال «کمیسیون حقوقی اسکاتلند»^۱ این ادعا را که سیستم دعاوی گروهی می‌تواند باعث اصلاح رفتار گردد، رد نمود. این کمیسیون اظهار داشت: تنها هدف اقامه دعوا، حتی به صورت گروهی، جبران خسارت است (Scottish Law Commission, Paper No 98, 1994: 23). کمیسیون اصلاحات قوانین استرالیا^۲ نیز با این نظر موافق است و عقیده دارد: اهدافی مانند دسترسی به عدالت و بهره‌وری قضایی، جزو اهداف اصلی هستند و نمی‌توان اصلاح بالقوه رفتار را جزو اهداف استفاده از این سیستم بیان نمود (ALRC Report, 2000: 354).

هرچند این هدف در کلیه موارد دعاوی گروهی، اختلافی است؛ اما در حقوق مصرف و نقش آن در اصلاح محصول تولیدی قابل مناقشه نیست، زیرا از یک سو، هدف اولیه حقوق مصرف،

1- Alberta Law Reform Institute

2- Scottish Law Commission

3- Australian Law Reform Commission (ALRC).

تولید محصول مطابق مقررات استاندارد معتبر است که دعوی گروهی در حوزه حمایت از مصرف کننده می تواند در این مهم، نقش مؤثری ایفا کند. از سویی دیگر، هدف تولید کننده یا عرضه کننده از تولید یا عرضه، کسب سود بیشتر است که یکی از راه های تحقق آن کاهش هزینه ها است. از آنجا که از منظر منطق اقتصادی کاهش هزینه مساوی سود تلقی می گردد، لذا اعمال و تحمیل هزینه های عیب کالا بر عرضه کننده، او را وادار به اصلاح فرایند تولید محصول می کند. افزون بر این، محکومیت تولید کننده به جبران خسارت در نتیجه عیب محصول، موجب صدمه به شهرت تجاری او و فرار مشتریان می شود و پرهیز از وقوع چنین پدیده ای، نقش مؤثری در اصلاح محصول دارد. بنابراین، هر چند با پیدایش بیمه های مسئولیت، اهداف بازدارندگی مسئولیت مدنی با چالش های جدی مواجه شده است؛ اما در حوزه حقوق مصرف، اهمیت فوق العاده شهرت تجاری و داشتن مشتری در بازار مصرف، از جمله دلایلی است که با تحمیل مسئولیت ناشی از عیب کالا بر تولید کننده، او را وادار به اصلاح محصول می کند.

چالش های اقامه دعوی گروهی در حقوق ایران

نسبی بودن آثار آراء در ایران

در حقوق ایران بر اساس اصل نسبی بودن دادرسی، آراء صادر شده از سوی دادگاه تنها شامل اشخاصی می شود که خود یا وکیلشان و یا قائم مقام قانونی ایشان در دادرسی شرکت داشته باشد و بدین ترتیب امکان تسری آراء صادره به اشخاص ثالث وجود ندارد؛ بنابراین حکم دادگاه نسبت به طرفین آن به همان عنوانی که وارد دعوا شده اند (مواد ۱۴۴، ۴۱۷، ۴۱۸ و ۴۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی)، اثر دارد. مقصود از عنوان اصحاب دعوا، سمتی قانونی است که محکوم له و محکوم علیه در دعوی موضوع حکم قرار گرفته اند. (مواد ۵۹، ۸۵ قانون آ.د.م) در اینجا وصف طبیعی و حقیقی شخصیت آنان مدنظر نیست. اگر یکی از طرفین در دعوا دارای نماینده باشد، مانند وکیل، وصی، قیم، اتحادیه و مانند آن، حکم علیه اصیل اثر دارد و نه علیه نماینده. اجرائیه نیز علیه اصیل صادر می شود و نه علیه شخصی که به آن عناوین در دعوا دخالت کرده است (ماده ۶ قانون اجرای احکام مدنی)؛ عملیات اجرایی نیز به طرفیت اصیل یعنی محکوم علیهم انجام می شود. (ماده ۴۹ قانون ا.ا.م.)

در عین حال باید توجه داشت که با وجود نسبی بودن اثر رأی، رأی صادره از سوی دادگاه

قابلیت استناد در مقابل هر کسی را دارد و از این حیث نباید بین این دو مبحث خلط شود. در نهایت، از بررسی آثار اصل نسبی بودن آراء در حقوق ایران مشخص می شود که اگر دعاوی در خصوص زیان و خسارت مشابه از سوی عده‌ای از افراد مطرح شود، حکم صادره به سایرین سرایت پیدا نمی کند. دلیل این امر نیز در اصل نسبی بودن آراء و آثار آن است. در واقع در حقوق ایران، تنها در صورتی می توان تسری چنین حکمی را به سایر اعضای گروه پذیرفت که ایشان قبل از اقامه دعا، اقدام به اعطای وکالت نامه با حق انتخاب وکیل به نمایندگان کرده باشند و در عمل وکیل به نام همه اعضا اقامه دعا نموده باشد. البته همان طور که مشخص است، این مسئله متفاوت با چیزی است که در دعاوی گروهی مشاهده گردید و بسیاری از کارکردهای آن را نیز (از جمله عدم لزوم شکایت تمامی اعضا و...) در بر نخواهد داشت. باید توجه نمود که در دعاوی گروهی در حقوق آمریکا، اصولاً امکان جمع شدن و شکایت تمامی اعضای گروه به دلیل تعداد بالای آنها ممکن نیست و همین مسئله علت اصلی پذیرش امکان اقامه دعا از سوی نمایندگان گروه است.

عدم امکان اقامه دعا از سوی نمایندگان گروه زیان دیده

در حقوق ایران، شخص یا باید خود اقدام به اقامه دعا نماید و یا از طریق نماینده قانونی خود اقدام به طرح دعا نماید. خواهان یا مدعی کسی است که از دادگاه حقی را برای خود و به ضرر دیگری می خواهد. وی این حق را از طریق تقدیم دادخواست به دادگاه یا از طریق داوری مطالبه می کند. (Bahrami, Bahram, 2003: 113) خواهان باید در دعاوی مطروحه ذی نفع باشد. به بیان دیگر شخص در صورتی می تواند دعوی را اقامه کند که با اثبات ادعایش نفع و سودی عایدش شود. (Shams, Abdollah, 2013: 316) و نیز باید دارای اهلیت برای اقامه دعا باشد؛ به این نوع اهلیت، اهلیت استمتاع می گویند؛ بنابراین محجورین نمی توانند برای اقامه حق خویش رأساً اقامه دعا نمایند. (Ramwi, 2013: 102) بر این اساس مشخص است که در حقوق ایران نمی توان شخصی را که اقدام به طرح شکایت ننموده خواهان دعا تلقی نمود، مگر اینکه وی از طریق نمایندگان قانونی خود اقدام به طرح دعا نموده باشد. بر این اساس و طبق تعریفی که سابقاً از نمایندگان گروه در دعاوی گروهی ارائه شد، امکان طرح دعا از سوی نمایندگان زیان دیدگان، مشابه آنچه در حقوق آمریکا مشاهده شد وجود ندارد.

تنها مورد موجود ماده ۴۸ قانون تجار الکترونیک است که پیش از این به آن اشاره شد. بر طبق

آیین نامه اجرایی این قانون، سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از مصرف‌کننده (که از این پس سازمان نامیده می‌شوند، اعم از هر موسسه، شرکت یا انجمنی است که مطابق قانون یا در اجرای آن با هدف حمایت از مصرف‌کننده در زمینه‌هایی از قبیل قیمت کالا و خدمات اعم از تولیدی و وارداتی، سیستم‌های مربوط به توزیع تا مرحله مصرف، ضرر و زیان کالاهای مصرفی و خدماتی ایجاد و یا ثبت شده یا می‌شوند. مصرف‌کننده نیز هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای به خرید کالا و خدمت اقدام می‌کند. (ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک) البته این امکان تطابق کاملی از حیث شرایط و قلمرو با دعوای گروهی در حقوق آمریکا ندارد، چراکه از یک سو منظور از مصرف‌کننده متضرر در این ماده شخصی است که در نتیجه تخلف تأمین‌کننده از قواعد حمایت از مصرف‌کننده مقرر در باب سوم قانون تجارت الکترونیک که مختص تجارت الکترونیک است و موارد مذکور در فصل هشتم قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ (که تنها شامل مواردی چون احتکار، گرن فروشی، کم فروشی، تقلب و... است) متحمل آسیب یا خسارت شده است. (تبصره ۲ ماده ۲ همان آیین نامه) لذا عمومیت نداشته و به طور مثال در دعوای بیمه‌ای، بورسی و... قابل اعمال نمی‌باشد.

از سوی دیگر بر طبق این آیین نامه، هر یک از اشخاص مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده می‌باید همراه با تقاضانامه، اسناد و مدارک مثبت ادعای خود را به سازمان ارائه نمایند. در واقع در این موارد سازمان نماینده تک تک اشخاصی است که تقاضانامه ارائه نموده‌اند و لذا نیابتی از سوی سایرین ندارد. در انتها نیز رسیدگی به این دعوای در مراجع ذی ربط قانونی حسب مورد مطابق تشریفات آیین رسیدگی مراجع مربوط خواهد بود و لذا مشکلاتی که در خصوص عدم مکان تسری رأی به اعضای غائب گروه بیان گردید همچنان باقی خواهند ماند. (ماده ۳ همان آیین نامه) البته وجود چنین مقرراتی در حقوق ایران نشان دهنده معطوف شدن توجه مقنن به لزوم استفاده از راهکارهای دادرسی نوین در حمایت از مصرف‌کننده می‌باشد. در نهایت نگارندگان معتقدند، در وضعیت فعلی امکان استفاده از دعوای گروهی و اعمال آن در شکل و قالبی که در حقوق آمریکا و سایر کشورها در جریان است وجود ندارد، و استفاده از این دعوا در ایران پیش از هر چیزی نیاز به قانون‌گذاری دارد. لذا در پایان این مبحث، طرح قانون دعوای گروهی ایران پیشنهاد می‌گردد که در صورت تصویب در مجلس می‌تواند راهگشای حل برخی مشکلات اقامه دعوای گروهی در ایران باشد.

نتیجه گیری

حقوق مصرف، دو هدف اصلی احتمالی را در نظر دارد که عبارت‌اند از: اصلاح عیب محصول و حمایت از مصرف کننده زیان دیده. تحقیق حاضر، نشان داد که شناسایی دعاوی گروهی، عامل تکمیل کننده و حلقه نهایی تأمین اهداف مورد نظر است؛ زیرا اهداف سیستم دعاوی گروهی، یعنی افزایش بهره‌وری قضایی و کاهش هزینه‌های رسیدگی دادگاه و همچنین ایجاد صرفه‌جویی در هزینه اقامه دعا، افزایش دسترسی طرفین دعاوی گروهی به راه‌حل‌های قانونی، جلوگیری از اتخاذ تصمیمات متناقض در طول زمان، و امکان پیش‌بینی رویه قضایی، از سویی موجب کارایی حقوق مصرف در حمایت از مصرف کننده، و از سوی دیگر، موجب اصلاح روند تولید محصول می‌شود. البته، باید توجه داشت که اهداف مذکور به صورت صریح در قوانین مربوط به دعاوی گروهی ذکر نشده‌اند.

در عین حال، این تحقیق، نشان داد که استفاده از دعاوی گروهی در حوزه حقوق مصرف، علاوه بر اینکه می‌تواند منجر به کاهش تراکم کار دادگاه‌ها شود، و هزینه دادرسی را کاهش داده و نیز از صدور احکام متعارض پیشگیری نماید، می‌تواند منجر به نیل به یکی از مهم‌ترین اهداف حقوق مصرف، یعنی بازدارندگی شود. استفاده از این کارکرد موجب خواهد شد که تولیدکنندگان، دقت بیشتری در رعایت استاندارد محصولات نموده و در صورت بروز عیب یا نقص در تولید، سریعاً اقدام به اطلاع‌رسانی نمایند. امری که در صورت فقدان راهکاری مانند دعاوی گروهی، ممکن است به کندی انجام شود و یا هرگز صورت نگیرد. این مسئله، اهمیت استفاده از راهکار شکلی مذکور، یعنی «به‌کارگیری دعاوی گروهی» را در تکمیل تلاش‌های ماهوی برای حمایت از مصرف کننده نشان می‌دهد.

References

- [1] Adib, Majid. (2010). "An Introduction to Consumer Rights," Journal of the Bar Association, No. 108. (in Persian)
- [2] Administrative Office of the US Courts, Report of the Civil Rules Advisory Committee, 2013.
- [3] Alberta Law Reform Institute. (2000). Class Actions, Report No 85.
- [4] AltaLRI Memorandum. (1995). "Discretionary Power of Court"; Federal Judicial Center, Manual for Complex Litigation, 3rd edn, St Paul, Minn, West

- Publishing.
- [5]Australian Law Reform Commission. (1999). *Managing Justice*, Rep No 89.
- [6]Balen. P, Cartwright. F and Dickins. H. (1994). *Group Actions in a Product Liability Context*, *Consumer LAW JOURNAL*.
- [7]Basten, J. (1996). 'Representative Proceedings in New South Wales' 34(2) *Law Society J*, 45.
- [8]Bahrami, Bahram. (2003). *Civil Procedure Code (Applied)*. Sixth Printing, Tehran, Behina Publishing. (in Persian).
- [9]Camp. JJ and Matthews. SD. (1998). "Actions Brought Under the Class Proceedings Act, RSBC 1995, c 50" in *CLE Society of BC Torts*
- [10]Campion JA and VA Stewart. (1997). 'Class Actions: Procedure and Strategy', 19 *ADVOCATES*, Q. 20, 42.
- [11]Claridge. T. (1997). "Heart Patients Settle Class Action, Canadians Who Get Defective Pacemaker Part to Share in \$23.1 Million" *The Globe and Mail*.
- [12]Cooper. EH. (2001). *Class Action Advice in the Form of Questions*, *Duke journal of Comp and International Law*. (21).
- [13]Cornwall A. (1995). 'Class Actions Get Go Ahead' 20 *Alternative LJ* 138.
- [14]Davis. MJ. (1998). *Toward the Proper Role for Mass Tort Class Actions*, 77 *Oregon Law reviw e* .
- [15]Dickson A. (1998). 'Class Proceedings Certification' , *Canadian Lawyer* 51.
- [16]Donnan. J. (2000). "Class Actions in Securities Fraud in Australia" 18 *Company and Securities Law Journal*.
- [17]Egura, Jean-Claire. (2000). "Consumer Definition", Translated by Abdul Rassol Qadek, *Journal of Legal Research*, No. 29-30. (in Persian)
- [18]Garner. B. (2009). *Black law dictionary*, West Group; 9th edition.
- [19]Greer, Marcy Hogan. (2010). *A Practitioner's Guide to Class Actions*. Chicago: American Bar Association.
- [20]Harlow. C and Rawlings. R. (1992). *Pressure Through Law*, London, Routledge.
- [21]Hensler. DR, Pace. NM, Dombey-Moore. B, Giddens. E, Gross. J, EK Moller. (2000). *Class Action Dilemmas: Pursuing Public Goals for Private Gain* (Santa Monica, RAND Institute for Civil Justice.
- [22]Heureux, Nicole. (1992). *Effective consumer access to justice: Class actions*, *Journal of Consumer Policy*, Volume 15, Issue 4.
- [23]Kaplan. B. (1967). "Continuing Work of the Civil Committee: 1966 Amendments of the Federal Rules of Civil Procedure (Part 1)", 81 *Harvard Law reviw e* 356.
- [24]Kirby MD. (1983). 'Procedural Reforms and Class Actions' in MD Kirby, *Reform the Law*, Melbourne, OUP.
- [25]Kleefeld. JC. (2001). "Class Actions as Alternative Dispute Resolution", 39 *Osgoode Hall Law Journal* 817.
- [26]Lindblom. PH and Watson. GD. (1993). "Complex Litigation, A Comparative Perspective", 12 *Civil Justice*.
- [27]Lord Woolf. (1996). *Access to Justice Inquiry: Issues Paper*, Multi-Party

- Actions.
- [28]Lord Woolf. (1996). Access to Justice: Final Report to the Lord Chancellor on the Civil Justice System in England and Wales.
- [29]Manitoba Civil Justice Litigation Committee. (1996). Civil Justice Review Task Force Report.
- [30]Manitoba Law Reform Commission. (1999). Class Proceedings, Report No 100.
- [31]Mildred. M. (2001). "Group Actions" in GG Howells, The Law of Product Liability, London, Butterworths.
- [32]Morabito. V. (1997). 'Taxpayers and Class Actions', 20 UNSW law Journal 372.
- [33]Morabito. V. (2001). "Ideological Plaintiffs and Class Actions-An Australian Perspective", 34 U of British Columbia Law reviw 459.
- [34]Mostafa Montazkami, Forough. (2011). "A Study on the Role of Non-Governmental Organizations in Protecting Consumer Rights in the Country", Journal of Business Reviews, Issue 47, June and July. (in Persian).
- [35]Morabito, V. Epstein J. (2000) Attorney-General's Law Reform Advisory Council, ClassActions in Victoria—Time for a New Approach. Sweet & Maxwell
- [36]Newberg. HB and Conte. A, Newberg. (1992). on Class Actions, 3edn, Colorado Springs, McGraw-Hill Inc.
- [37]Owles. D. (1991). "Class Actions in the English Courts Tranquillisers", Product Liability International, Journal.
- [39]Page. SJ. (2000). "Class Actions in Canada: How They Work and Their Impact on Health Organisations and Businesses", 21 Health Law in Canada 1, 11.
- [38]Pinos. T. (1984). "Class Actions in Victoria", Law Institute journal.
- [40]Prichard JRS. (1984). 'Class Action Reform: Some General Comments', 9 Canadian Business LJ 309.
- [41]Ramwi, Gholamali. (2013). "The Law of the Classical System and Consumer Rights", Information Newspaper, No. 25777. (in Persian).
- [42]Shams, Abdollah. (2013). Civil Procedure Code, Vol. 2, Twelve, Tehran, Publishing. (in Persian).
- [43]Stuyck, Jules; Terry, Evelyne; Colaert, Veerle; Van Dyck, TomAn. (2007). analysis and evaluation of alternative means of consumer redress other than redress through ordinary judicial proceedingsTender Specification: SANCO/2005/B5/010, Leuven, January 17.
- [44]wahedi, ghodratoolah. (2011). Civil Procedure Code, Fifth Edition, Tehran, Publishing. (in Persian).
- [45]Watson. GD. (2001). "Class Actions: The Canadian Experience", 11 Duke journal of Comp and International Law.
- [46]Weinstein. JB. (2001). "Compensating Large Numbers of People for Inflicted Harms: Keynote Address", 11 Duke journal of Competition and International Law 165, 174.
- [47]Willging. T, Hooper. L & Niemic. R. (1996). Empirical Study of Class Actions

- in Four Federal District Courts: Final Report to the Advisory Committee on Civil Rules, Federal Judicial Center.
- [48] Zuckerman. A. (1999). Justice in Crisis: Comparative Dimensions of Civil Procedure, Zuckerman (ed). Civil Justice in Crisis: Comparative Perspectives of Civil Procedure, Oxford, OUP.

Cases:

- [1] Abdool v Anaheim Management Ltd, 1994.
- [2] Abdool v Anaheim Management Ltd, 1995.
- [3] Amchem Products Inc v Windsor, 1997.
- [4] Causey v Pan American World Airways Inc, 1975.
- [5] Dabbs v Sun Life Ass Co of Canada, 1999.
- [6] Femcare Ltd v Bright, 2000.
- [7] Gold Coast City Council v Pioneer Concrete (Qld) Pty Ltd, 1997.
- [8] Harrington v Dow Corning Corp, 2000.
- [9] Hobbs v Northeast Airlines Inc, 1970.
- [10] Hollick v Metropolitan Toronto (Municipality), 1998.
- [11] Johnson Tiles Pty Ltd v Esso Aust Ltd, 1999.
- [12] Kenora (Town) Police Services Board v Savino, 1997.
- [13] King v GIO Aust Holdings Ltd, 2000.
- [14] Marks v GIO Aust Holdings Ltd, 1996.
- [15] McKrow v Manufacturers Life Ins Co, 1998.
- [16] Nantais v Telectronics Proprietary (Canada) Ltd, 1995.
- [17] Phillips Petroleum Co v Shutts, 1985.
- [18] Pittman Estate v Bain, 1994.
- [19] Schutt Flying Academy (Aust) Pty Ltd v Mobil Oil Aust Ltd, 2000.
- [20] Scott v Ontario Business College, 1977.
- [21] Scott v TD Waterhouse Investor Services (Can) Inc, 2001.
- [22] Smith v Canadian Tire Acceptance Ltd, 1995.
- [23] Sutherland v Canadian Red Cross Soc, 1994.
- [24] Tiemstra v Insurance Corp of BC, 1996.
- [25] US Parole Comm v Geraghty, 1980.
- [26] Walker Estate v York Finch General Hospital, 1997.
- [27] Wicke v Canadian Occidental Petroleum Ltd, 1999.
- [28] Woodhouse v McPhee, 1997.